ادامه از صفحه اول

بوسه بورس

در چنین وضعیتی، تمام ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار بر بازار سهام باید به میدان آمده و اقدام‌هایی جدی را برنامه‌ریزی کرده و به عمل برسانند تا بورس اوراق بهادار به آرامش برسد، زیرا که مهم‌ترین نیاز بازار سرمایه همواره آرامش و پویایی مناسب بوده است. مهم‌ترین اقدام بلندمدتی که لازم است صورت گیرد، افزایش کارایی بازار است، به این معنی که تنها عامل اثرگذار بر قیمت سهام، اطلاعات قابل اتکا باشد و این یعنی پالایش و حذف دو گروه از اطلاعات: شایعه‌ها، که به معنی اطلاعات نادرست است و اطلاعات نامربوط. تحقق این امر هم به تجدید و ارتقای ساختار در ارکان بازار سرمایه مانند سازمان بوس و اوراق بهادار، شرکت بورس اوراق بهادار، کارگزاری‌ها و شرکت‌های تأمین سرمایه نیاز دارد، هم به اصلاح فرایندها و نظام‌هایی از قبیل نظام راهبری شرکتی، فرایند گزارشگری مالی و تدوین مقررات پولی و مالی وابسته است و هم به تقویت تحلیلگران حرفه‌ای و بازارگردانان مستقل و حرفه‌ای. این امر، بیشتر از همه در حیطه مسئولیت رئیس سازمان بورس و همکاران ایشان است که باید با پشتیبانی و حمایت عملی شورای عالی بورس و اعضای آن تحقق یابد. از سوی دیگر، برای دستیابی به چنین هدفی، افزایش اقتدار رئیس سازمان بورس ضرورت دارد که اقداماتی مانند فراهم‌آوردن امکان تبادل نظر و رایزنی مستقیم ایشان با رؤسای قوای سه‌گانه و افزایش قدرت تعامل او با دیگر وزیران و افراد مؤثر نیز از ضرورتی تام برخوردار است.

با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود فضای سیاسی و اقتصادی کشور در ماه‌های آینده، پرهیاهوتر از گذشته باشد که بیشتر دو دلیل دارد: چگونگی تعیین تکلیف برجام و تحریم‌ها و انتخابات ریاست‌جمهوری، مدیریت بازار سرمایه در این دوره اهمیتی دوچندان می‌یابد. ارزیابی بنده آن است که در بازه‌ای شش‌ماهه، مثلا تا شهریور آینده، هیچ‌کدام از دو عامل یادشده، اثری عملی بر اقتصاد نخواهند گذاشت و هرگونه نتیجه مثبت یا منفی از مذاکرات بین‌المللی یا انتخابات ریاست‌جمهوری، تنها می‌تواند اثری روانی داشته و میزان خوش‌بینی یا بدبینی نسبت به آینده را تغییر دهد. در چنین شرایطی، به حداقل رساندن ابهام‌ها در بخش واقعی اقتصاد، امری اضطراری است. قبلا نیز این پیشنهاد ارائه شد که تحت مدیریت رؤسای محترم قوای سه‌گانه، باید برنامه عملیاتی اقتصادی روشنی برای شش ماه آینده تدوین و منتشر شود. ارائه اطلاعاتی متقن درباره موارد مهمی مانند روش‌های مدیریت قیمت کالاهای اساسی، نرخ سود سپرده بانکی، اجراشدن یا نشدن سیاست‌های خصوصی‌سازی، تعرفه‌ها، مالیات و... و وفاداربودن به این برنامه از سوی مجریان و ناظران، نیاز حیاتی امروز است. در غیاب چنین اطلاعاتی، بدیهی است که شایعات بی‌اساسی مانند افزایش یا کاهش نرخ سپرده‌ها یا اظهارنظرهای ضدونقیض درباره آزادسازی یا محدودسازی واردات خودرو و نظایر آن، قیمت‌گذاری و دخالت در بازار محصولات فلزی و پتروشیمی و سیمان و... بازار را تحت تأثیر شدید قرار دهند و به گوش نرسیدن صدایی واحد از دولت و مجلس نیز به این فضا دامن بزنند. ازاین‌رو مهم‌ترین مأموریت سیاست‌گذاران و مجریان اثرگذار بر وضعیت بورس در قوای سه‌گانه، کاهش نااطمینانی‌ها در بازار از طریق انتشار برنامه عملیاتی توافق‌شده در هفته‌های آتی است وگرنه بازار زنده، به کاهش و افزایش تب‌ولرز خود همچنان ادامه خواهد داد و تابع دستوری کتبی یا شفاهی از سوی مقامی مسئول نخواهد بود. به عبارت دیگر، از آنجا که اثر تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی در حوزه ریسک سیستماتیک بازار قرار می‌گیرد، شاید نتوان توصیه‌ای برای چگونگی این تحولات ارائه داد؛ اما ریسک غیرسیستماتیک را که بر اثر تصمیم‌ها و عملکرد اشخاص اثرگذار بر بورس، تغییر می‌یابد، می‌توان با بهبود عملکرد این افراد و سازمان‌ها به نزدیک صفر رساند؛ زیرا آنچه دست‌های نامرئی بازار را از کار می‌اندازد، عوامل افزایش‌دهنده ریسک غیرسیستماتیک است.

ادامه در صفحه ۵

اقتصاددانی که می‌خواهد دیپلمات شود

تناقضات برجامی آقا محسن

واکنش‌ها به حدی بود که محسن رضایی حرفش را پس گرفت. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با نشریه انگلیسی فایننشال‌تایمز گفته بود: ایران آماده است که به مذاکرات هسته‌ای با آمریکا و دیگر قدرت‌های جهان بازگردد، اگر طرف‌های مقابل سیگنال واضحی بفرستند که تحریم‌ها تا یک سال آینده برداشته می‌شود. آنها باید به ما اعلام و اطمینان خاطر دهند که تحریم‌های اعمال‌شده بعد از برجام در عرض یک سال برداشته می‌شوند.

برای همین حسام الدین آشنا خطاب به محسن رضایی نوشت: آقا محسن عزیز! همان یک عملیات فریب قدیمی کافی است، لازم نیست دشمن را بیش از این فریب دهید. عبدالله رمضان‌زاده نیز در توییتی نوشت: واقعا محسن رضایی این حرف را زده؟ یعنی قبول کرده ملت تا یک سال دیگر هم زیر بار تحریم‌ها باشند؟ یا مثل کربلای ۴ قصد فریب دشمن را دارد؟ اگر نگفته تکذیب کند. سعید خطیب‌زاده در واکنش به مصاحبه محسن رضایی با فایننشال‌تایمز گفته بود: کلیه امور مرتبط با حوزه سیاست خارجی صرفا از طریق وزارت خارجه و به صورت نهادی و از مجاری رسمی خودش منتقل می‌شود. ظریف اما گفته بود: عرصه سیاسی ایران پویاست و مقامات نظرات متنوعی مطرح می‌کنند؛ اما آن نظرات نباید با سیاست رسمی دولت اشتباه گرفته شود. من، به‌عنوان وزیر خارجه و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران، به‌زودی طرح اقدام سازنده و دقیق خودمان را ارائه خواهم کرد؛ البته از طریق کانال‌های دیپلماتیک.

همین باعث شده که برخی بگویند بالاخره کدام موضع اصولگرایان را باور کنیم؟ تا جایی که حتی سخنان محسن رضایی را نه‌تنها یک عقب‌نشینی غیرحرفه‌ای دانسته‌اند که ممکن است باعث اختلال در مذاکرات ظریف شود، بلکه این پیام خطرناک را به آمریکا و البته اقتصاد ایران مخابره می‌کند که با اصولگراها راحت‌تر می‌توان به توافق رسید! مذاکرات را چند ماه (لااقل تا پس از انتخابات) عقب بینداز!

همین واکنش‌ها باعث شد محسن رضایی در توییتی با عقب‌نشینی از اظهاراتش بنویسد: در گفت‌وگو با فایننشال‌تایمز به آمریکایی‌ها هشدار دادم که اجازه ادامه تحریم‌ها را نخواهیم داد و با عقب‌راندن آمریکایی‌ها، تحریم‌ها را لغو یا بی‌اثر می‌کنیم. مذاکره فقط در چارچوب ۵+۱ و پس از لغو کامل تحریم‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

رمضان‌زاده باز به همین توضیح نیز واکنش نشان داده و نوشته است: شما دادن وعده مهلت یک‌ساله به آمریکایی‌ها برای رفع تحریم‌ها را تکذیب نمی‌کنید پس! محسن رضایی به نظر می‌رسد سودای جدی انتخابات را در سر دارد؛ برای همین اظهارنظرهای عجیبی از او شنیده می‌شود. او این‌روزها در دو حوزه اقتصاد و دیپلماسی، زیاد اظهارنظر می‌کند و همین برخی را به این گمانه انداخته که بعد از ردای اقتصاد، بدش نمی‌آید ردای دیپلمات را هم بر تن کند. تاجایی‌که به ادعای خبرآنلاین، او در یک سال اخیر با دو لایحه مرتبط با FATF به‌شدت مخالفت کرده و محبوب دلواپسان شده است. رضایی این‌روزها سیاست خارجی دولت را به نقد و انتقاد بسته است. برای نمونه در توییتی نوشته: «اگر دیپلماسی رسمی ما با محور قراردادن منافع ملی بر ۱۵ کشور همسایه و ۲۵ کشور دیگر منطقه متمرکز شده بود و به‌جای سراب ۵+۱، واقعیت ۲۵+۱ را دنبال می‌کردیم، امروز با به‌میدان‌آوردن فعالان بخش خصوصی کشورمان، بی‌اثرشدن تحریم‌های ظالمانه را شاهد بودیم».

محسن رضایی آبان نیز در پاسخ به پرسشی درباره برخی ادعاها مبنی بر ارجحیت پیروزی بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برای کشورمان گفته بود: بایدن می‌گوید «اگر رئیس‌جمهور شوم به برجام برمی‌گردم، اما ایرانی‌ها باید برجام ۲ و ۳ را هم بپذیرند؛ یعنی برد موشک‌هایشان را محدود کنند و در منطقه حضور نداشته باشند و در صورت پذیرش این شروط، تحریم‌ها را برمی‌داریم». مسئله اصلی، لغو تحریم‌ها علیه کشورمان است که ترامپ و بایدن هیچ پیشنهاد جدیدی برای آن ندارند.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه با توجه به تجربه برجام، حتی اگر پیشنهاد جدیدی ارائه شود، مذاکره و توافق احتمالی با کاخ سفید چقدر اطمینان‌آور است، گفته بود: ملت و نظام جمهوری اسلامی دیگر به هیچ قول و صحبتی که پشتوانه عملی نداشته باشد، اعتماد ندارند. ما جز عمل به چیز دیگری فکر نمی‌کنیم و باید عمل ببینیم.

مروری بر گفته‌های محسن رضایی درباره برجام

مروری بر گفته‌های محسن رضایی درباره برجام و مذاکره با آمریکا در سال‌های گذشته شایان تأمل است

- ۲۸ آذر ۹۸: برجام محصول یک اندیشه و تفکر غلط در اداره کشور است.
- ۲۴ تیر ۹۴ (یک روز بعد از امضای برجام): حقیقتا ظریف مجاهدت بزرگی کرده و به فرجام رساندن این مذاکرات در برابر شش قدرت دنیا ساده نبود.
- مهر۹۴: {با اشاره به ابعاد ثمرات اقتصادی و سیاسی برجام} در زمینه سیاسی توانستیم پروژه منزوی‌سازی ایران را بشکنیم و در بُعد اقتصادی وضعیت ایران از دوران تحریم بهتر می‌شود.
- آذر ۹۵ {در نامه‌ای به رهبری، با استقبال از دستاوردهای ایران در پرونده هسته‌ای}: امروز فرزندان و سربازان رهبری، ازجمله ظریف، در حال پیشروی در سنگرهای دشمن هستند.
- دی ۹۴: ترس آمریکایی‌ها از اجرائی‌شدن برجام کاملا مشهود بود؛ چراکه فشار عربستان، رژیم صهیونیستی و تندروهای آمریکا، بزرگ‌ترین موانع اجرای برجام به شمار می‌آمد.
- امروز که برجام، اجرائی شده، قاطبه ملت ایران یک‌صدا فریاد برمی‌آورند که زنده‌باد جمهوری اسلامی.
- هر نوع برداشت جناحی و شخصی از اجرائی‌شدن برجام، نوعی ناشکری است. باید از همه دست‌اندرکاران و نقش‌آفرینان این موقعیت سپاسگزاری کنیم.
- اردیبهشت ۹۵: ما مخالف برجامی که رهبری مشروط پذیرفتند نیستیم، از این تصمیم هم حمایت می‌کنیم.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:

ظریف اصلاح‌طلب نیست، او یک دیپلمات است

امیرحسین جعفری: هرچه به انتخابات نزدیک می‌شویم، شعارهای مختلفی در عرصه سیاسی از سوی جناح‌های مختلف مطرح می‌شود که یکی از بارزترین محورهایی که دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب بر آن مانور می‌دهند، نوع ارتباط با دولت جدید آمریکاست. برای بررسی تأثیر نوع ارتباط با جامعه جهانی و به‌ویژه آمریکا در انتخابات ریاست‌جمهوری ساعتی را با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

آیا حضور بایدن در کاخ سفید و رفتارهای برجامی او می‌تواند بر انتخابات ۱۴۰۰ تأثیرگذار باشد؟ آیا اصلاح‌طلبان می‌توانند از امید بازگشت به برجام از سوی بایدن در انتخابات استفاده کنند؟

من معتقدم با ورود مجلس به موضوع هسته‌ای و سیاست وقت‌گذرانی که دولت بایدن شکل داد، عملا موضوع هسته‌ای در ایران از شرایط اختلافی خارج می‌شود؛ یعنی دولت به‌شدت دنبال این بود که به توافق شکل دهد و مجلسی‌ها نیز معتقد بودند با این دولت که در پایان راه است و سیاست نرمش جواب نداده، شاید نتوانیم به توافق بهینه‌ای برسیم؛ ولی دیدیم زمانی که مجلس قانونی تصویب کرد و دولت ملزم به انجام آن شد و سپس سازوکاری را با آژانس تدوین کرد که ابتدا اختلافی شد و بعد از آن دولت و مجلس به یک سو رفتند، به نظر من برای موضوع هسته‌ای در انتخابات دو حالت پیش می‌آید. یا شاهد رکود و چالش خواهیم بود یا گشایشی صورت می‌گیرد که در آن موقع بر سر اینکه این گشایش بر اثر سیاست نرمش دولت هست یا فشار طرف مقابل تبدیل به یک امر انتخاباتی می‌شود. تبدیل‌شدن موضوع هسته‌ای به یک مسئله انتخاباتی به ضرر سیاست خارجی کشور است؛ چون بخش اعظم تصمیمات مذاکرات هسته‌ای تصمیمات مصلحتی بوده که منجر به چالش‌هایی می‌شود که توان چانه‌زنی خارجی را تضعیف می‌کند و سودی نصیب کشور نمی‌شود و اصل وحدت در سیاست خارجی دچار مشکل خواهد شد.

اگر دولت بعدی از سوی اصولگرایان اداره شود، روند مذاکرات چه تغییری می‌کند؟ به نظر شما سیاست کلی نظام مبتنی بر مذاکره با آمریکاست؟

سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران تنش‌زدایی است. در کشور از تنش استقبال نمی‌شود؛ هر دولتی هم که روی کار بیاید، نمی‌تواند ۸۵ میلیون جمعیت را در شرایط ایزوله و دولت چریکی اداره کند. ضمن اینکه ایران شرایط خاصی به دلیل وقوع در حوزه جغرافیای سیاسی و جغرافیای نفت دارد؛ شرایطی که تصمیمات منطقه بدون حضور ایران به نتیجه نمی‌رسد؛ بنابراین من معتقدم هر دولتی که روی کار بیاید، اوضاع در حدی که زمان ترامپ تنش‌آمیز شده بود، نخواهد شد و دنیا نیز مسیر غیردیپلماسی را برای ایران انتخاب نخواهد کرد. آمریکا هم که بارها از گزینه نظامی یاد کرده، بعد از حمله به پایگاه عین‌الاسد و سقوط پهپادشان تحقیر شدند، عملا وارد چنین فضایی نمی‌شود. دوران جنگ‌ها گذشته است. ما هیچ وقت به دوران تنش‌آمیز ترامپ برنمی‌گردیم؛ اما معنای این مذاکره میان ایران و آمریکا نیست. من معتقدم ایران و آمریکا برای مذاکرات دوجانبه آمادگی ندارند؛ اما سعی می‌کنند در قالب سازوکارهای فراتر از مناسبات دوجانبه مثل برجام روابط را مدیریت کنند. البته اگر بتوانند این مدیریت را سامان دهند، احتمال اینکه تنش‌زدایی و دیپلماسی تنش‌زدایی به سیاست غالب تبدیل شود، وجود دارد.

بحث مذاکره که پیش می‌آید، از اصلاح‌طلبان به‌عنوان عامل مطرح آن یاد می‌شود و ظریف

به‌عنوان سردمدار مذاکره. آیا ظریف یک اصلاح‌طلب است؟

ظریف اصلاح‌طلب نیست. او یک دیپلمات است. کسی که موضع سیاست خارجی دارد و دیپلمات‌ها نیز معمولا از تعریف در دل یک جریان سیاسی اکراه دارند و شاید غیر از یک مقطعی که در دوران احمدی‌نژاد ایشان منصب دیپلماتیک را از دست داد، همیشه صاحب منصب دیپلماتیک بوده است. ایشان طبق اخلاق سیاسی دیپلمات‌ها خودش را در جریان‌های سیاسی محصور نکرد؛ ضمن اینکه به هر حال چنین دیپلماتی در جریان‌های افراطی تعریف نمی‌شود؛ بنابراین به طور طبیعی این تعریف سیاسی است که می‌شود از ایشان داشت. ظریف نماینده کشور در مذاکرات است، پرونده هسته‌ای ایران جزء مقوله‌های کلان سیاست خارجی ایران است و تعیین تکلیف اینها در شورای عالی امنیت ملی صورت می‌گیرد. در زمان آقای خاتمی و احمدی‌نژاد به اشتباه این پرونده را از وزارت خارجه گرفتند و به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی سپردند. دبیرخانه‌ای که مسئولیت امنیت را در حوزه‌های مختلف دارد و بخشی از مسئولیت آن سیاست خارجی است و بخش کوچک‌تر آن موضوع هسته‌ای است.

یکی از کارهای خوب دولت آقای روحانی، این بود که پرونده را به وزارت خارجه داد. آقای ظریف نماینده شورای عالی امنیت ملی در مذاکرات بود و به هر حال توافقاتی که صورت گرفت، در همین قالب شکل گرفت. اما ظریف یک نقطه‌ضعف عمده داشت و به نظر من هیچ‌وقت نتوانست در مقابله با حوزه عمومی و حوزه‌هایی که برای پاسخ‌گویی حاضر می‌شود، این تعریف را مشخص کند که مأموریتی که به او داده شده، چگونه انجام شده است و به خاطر همین بود که هر زمانی حرف شکست بود، تمام تقصیرها را گردن ظریف می‌انداختند و هر زمانی که بحث پیروزی می‌شد، دیگران را شریک پیروزی می‌کردند. این نقطه‌ضعف صرفا به ایشان نیز ختم نمی‌شود و نقطه‌ضعف کلی دولت آقای روحانی بود که من آن را دولت سست نام‌گذاری کرده‌ام. دولت سست دولتی است که در مرحله اول نمی‌تواند از خودش دفاع کند. به همین دلیل ما می‌گوییم تمام مشکلات گردن دولت فعلی انداخته می‌شود؛ ضمن اینکه حتی برای اختیارات خودش نیز دفاع لازم را صورت نداد. آقای ظریف هم بخشی از این دولت سست بود که آسیب‌های این سستی را متوجه خودش و وزارت امور خارجه کرد.

سؤالی که بعد از مذاکره با آمریکا پیش می‌آید، این است که توافق با آمریکا به معنای پایان مبارزه با آمریکاست؟

من معتقدم سیاست خارجی امری مقطوع نیست. به هر حال همواره در رفتارهای تاکتیک‌پذیر، امر قدسی شکل نمی‌گیرد. آمریکا کشوری است که من معتقدم نباید با یک دید به او نگاه کرد. باز هم تأکید می‌کنم آقای اوباما حتما با ترامپ فرق داشت و آقای بایدن هم با ترامپ فرق دارد؛ اما واقعیت این است که بایدن هم با اوباما فرق دارد و این تفاوت‌ها را نباید با یک دید کلیشه‌ای نگاه کرد. آمریکا هیچ‌وقت به خاطر ما رفتارهایش را در دنیا عوض نخواهد کرد. همین الان سالگرد زمانی است که پنج نفر از مردم معترض به مجلس نمایندگان آمریکا حمله کردند، به خاطر اینکه با استعمار آمریکا مبارزه کردند و سعی در ترور نمایندگان داشتند تا حقانیت خود را به اثبات برسانند. همین آمریکا را اگر از همسایگانش بپرسید، بخش اعظمی از گرایش‌های چپ و سوسیالیستی در آمریکای لاتین ناشی از ظلمی است که آمریکا از لحاظ تاریخی به همسایگانش کرده است. بنابراین بسته به رفتاری که آمریکایی‌ها دارند، سیاست هم شکل می‌گیرد. واقعیتی که در سیاست میان ایران و آمریکا شکل گرفته، این است که زورآزمایی منجر به توافق می‌شود. به هر حال با وادادگی نمی‌شود از آمریکا امتیاز گرفت؛ اما هر زمانی که ایران قدرتش را به رخ کشیده است، توانسته امتیاز بگیرد. در موضوع هسته‌ای نیز چون پرونده هسته‌ای پیش‌تر از درخواست‌های سیاسی بود، توانست از آمریکا امتیاز بگیرد؛ وگرنه اگر ایران در برنامه هسته‌ای پیشرفت نمی‌کرد، توانایی امتیازگیری از آمریکا را نداشت. بر این اساس معتقدم ایران نباید مؤلفه‌های قدرت را به خاطر خوش‌بینی به لبخند آمریکایی‌ها زمین بگذارد.

به نظر شما مشکل اصلی جمهوری اسلامی امپریالیسم‌ستیزی است یا آمریکاستیزی؟

واقعیت این است که امپریالیسم شیوه‌های دیگری در دنیای امروز دارد. بعد از جنگ سرد و از ابتدای ۱۹۹۰، همان جریانی که به‌عنوان امپریالیسم یاد می‌شد یا جهان اول، در گذشته ابزارهای فیزیکی‌تری را برای تاراج ملت به کار می‌گرفتند؛ اما امروز در حال قانون‌گذاری برای جهان هستند و برای مثال سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سازوکارهایی هستند که امپریالیسم به خاطر حضور در عرصه تصمیم‌گیری، نظرات خودش را از طریق این نهادها پیش می‌برد. بنابراین عرصه چالش به نظر من چالش فیزیکی گذشته نیست و جای خودش را به نهادهای تصمیم‌گیر جهانی داده است. جمهوری اسلامی ایران جزء ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیاست، ولی در گروه ۲۰ جایگاهی ندارد. بنابراین باید بتوانیم از طریق راهکارهای جدید ازجمله عضویت در شانگهای و... و تلاش برای تحمیل نظراتمان در عرصه‌های جهانی فعالیت کنیم، نه اینکه به روش سنتی و چریکی در مقابل امپریالیسم بایستیم؛ جایی که بهانه را به دست دشمنان می‌دهد! ایران هرچه اقتصاد و توسعه بیشتری داشته باشد، در دنیای روز بیشتر می‌تواند با کشورهای استعمارگر مبارزه کند.

به نظر شما دولت بایدن خواستار تدوین برجام جدیدی است یا به شرایط قبلی مذاکره برمی‌گردیم؟

من معتقدم بایدن نماینده سیاست‌مداران محافظه‌کار در آمریکاست، هرچند محافظه‌کاری را در جمهوری‌خواه‌ها دیدیم اما بایدن محافظه‌کار میان دموکرات‌هاست. ترامپ سعی کرد منافع آمریکا را ببیند و برای مثال اگر بخشی از قراردادهای پسابرجام ایران به‌جای چین و کشورهای اروپایی و روسیه با شرکت‌های آمریکایی بسته می‌شد، ترامپ هیچ‌گاه از برجام خارج نمی‌شد. بایدن منافع لابی‌های مختلف و متحدان آمریکا را می‌بیند و انتظارش این است که اینها را به‌عنوان ضمایم برجام معرفی کند که اگر ایران این شروط را بپذیرد، هیچ‌وقت پینه‌هایی که بر دل برجام زده می‌شود، بسته نخواهد شد. بایدن می‌خواهد در برجام مسائلی مثل قدرت منطقه‌ای ایران، موشک‌های بالستیک و... با تعهدات همراه شود که دلیلی ندارد ایران این شروط را بپذیرد. ایران تنها حوزه‌ای که پذیرفته تعهد دهد، حوزه هسته‌ای است که در گذشته هم این تعهدات صورت گرفته، الان می‌خواهند در حوزه سیاسی نیز این تعهدات داده شود. ولی من معتقدم در سایر حوزه‌ها اگر ایران وارد مذاکره شود، قابلیت‌های برجامی هم زیر سؤال می‌رود.

مجلس فعلی با قوانینی که جدیدا تصویب می‌کند، می‌تواند به‌طور قانونی جلوی مذاکره میان ایران و آمریکا را بگیرد؟

من اعتقادم بر این است که از ابتدا با بایدن نباید وارد تقابل ضرب‌الاجل می‌شدیم. به همین دلیل من قانون مجلس را نقد کردم. ضرب‌الاجل در سیاست برای دو کشوری که در شرایط جنگی به سر می‌برند. در دیپلماسی ضرب‌الاجل‌ها دست‌وپای دیپلمات‌ها را می‌بندد؛ به همین دلیل قانون‌های جدید مجلس را نقد کردم اما وقتی مجلس قانون را تصویب کرد، الان معتقدم این ضرب‌الاجل یک قانون است و کوتاه‌آمدن از آن توان چانه‌زنی دیپلمات‌ها را تضعیف می‌کند؛ بنابراین در چالش بین مجلس و دولت بر سر توافق با آژانس باوجوداینکه با قانون مجلس مشکل داشتم، در این شرایط این حق مجلس است که قانون اجرا شود. درست است که آمریکایی‌ها در چند روز اخیر سعی می‌کنند لحن تهدید را انتخاب کنند ولی واقعیت این است که دولت بایدن برای تنش با ایران آمادگی ندارد. مجلس از تجربه توافقی که با آژانس شکل گرفت، درس بگیرد.

ادامه در صفحه ۵

روزنه

اسحاق جهانگیری:

مدعیان دورزدن تحریم‌ها نتوانستند حتی یک بشکه نفت بفروشند

ایسنا: معاون‌اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان یزد، با اشاره به اینکه آمریکایی‌ها فکر می‌کردند گلوگاه‌های فشار بر اقتصاد ایران را شناسایی کرده‌اند، گفت: تلاش آمریکایی‌ها این بود که در شرایط سخت و دشوار اقتصادی، کاری کنند که ورود کالاهای لوکس و تجملاتی به‌راحتی امکان‌پذیر باشد و از ورود کالاهایی که نیاز عمومی مردم است، ممانعت به عمل آورند تا مردمی که در شرایطی سخت قرار دارند، از دیدن مانور خودروهای لوکس گران‌قیمت در خیابان‌ها آزرده شوند و از مدیران خود همواره این پرسش را مطرح کنند که چرا در این ارگان وضعیت به این‌گونه است.

اسحاق جهانگیری افزود: دولت به لحاظ قانونی نمی‌توانست مانع از ورود کالا به کشور شود و در این خصوص دستش بسته بود، اما با توسل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توانستیم راهکاری را در پیش بگیریم که سیاست‌های تحریمی آمریکا خنثی شود. در این خصوص، ابتدا واردات خودروهای ۲۵۰۰ سی‌سی بالاتر را به کشور ممنوع کردیم و در مرحله تحریم‌ها ورود هر نوع خودروی خارجی به کشور متوقف شد.

او عنوان کرد: سیاست‌گذاران اقتصادی این دولت معتقد به اقتصاد بسته نیستند و این یک واقعیت است که نمی‌توان اقتصاد را به دور از سازوکارهای علمی و با دستورالعمل‌های اداری هدایت کرد. این ممنوعیت‌ها برای دوران جنگ و دشواری اقتصادی تدوین و اجرا شده و در دورانی که شرایط عادی شود، حتما باید این مقررات تصحیح شود. پس از اتخاذ سیاست‌گذاری‌های ارزی و تجاری در جلسه ستاد مقابله با تحریم، با حضور سران تصمیم گرفته شد قیمت ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومان ثابت بماند؛ البته در همان روز نیز قیمت ارز در بازار چهارهزارو ۲۵۰ تومان بود و فاصله چندانی با نرخ ارز دولتی نداشت. این تصمیم برای تأمین زندگی مردم و واردات کالاهای مورد نیاز عموم اتخاذ شد.

نگذاشتیم بابک زنجانی به وجود بیاید

جهانگیری تأمین مالی در دوران تحریم را نیز موضوعی مهم توصیف کرد و افزود: یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کاسته‌شدن اتکای بودجه کشور به نفت بود. این تصمیم راهبردی در شرایطی اتخاذ شد که ۳۰ درصد بودجه کشور به نفت متکی بود و رئیس‌جمهور نادان به حقوق بشر و نژادپرست آمریکایی‌ها، پا روی خطوط لوله برای قطع‌شدن صادرات نفت گذاشت.

او با بیان اینکه با قاطعیت می‌گویم هیچ کشوری از دوستان شفیق و نزدیک ایران و دیگران به‌طور رسمی از ما نفت خریداری نکرده‌اند، عنوان کرد: در جلسه‌ای در حضور رهبر معظم انقلاب، یکی از آقایان مدعی شده بود فردی را می‌شناسد که می‌تواند روزانه دو میلیون بشکه نفت بفروشد. رئیس‌جمهور در آن جلسه گفتند این فرد را به ما معرفی کنید، ما حاضریم او را در سمت وزیر نفت بگذاریم. اما همه فقط مدعی بودند و نتوانستند حتی یک بشکه نفت بفروشند.

او گفت: ما با یافتن راهکارهایی توانستیم نفت را با ده‌ها خطر و ریسک به فروش رسانده و پول آن را به کشور بازگردانیم. با قاطعیت می‌گویم تا آنجا که من مطلع هستم، یک دلار از پول نفت در این میان تلف نشد و نه‌تنها فردی مثل بابک زنجانی که افرادی بسیار کوچک‌تر از او نیز به وجود نیامدند. جهانگیری با اشاره به اینکه عده‌ای در کشور شعار می‌دادند که باید ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی از کالاهای اساسی حذف شود، تأکید کرد: باید نام کسانی را که از ارزچهارهزارو ۲۰۰ تومانی که مثل خون ملت بود و نیاز مردم از طریق این ارز به کشور وارد می‌شد، سوءاستفاده می‌کردند، سربازان آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ملت ایران لقب داد که دستگاه قضائی به شدت با این سوءاستفاده‌گران برخورد می‌کند.

نباید اعتبار سخنان ظریف خدشه‌دار شود

معاون‌اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه در روزهای پایان سختی‌ها هستیم و پس از تحمل این عسر به یسر و گشایش می‌رسیم، خطاب به مدیران کشور گفت: باید در برابر تحریم‌های احتمالی آمادگی داشته باشیم تا این توطئه دشمنان خنثی شود. آمریکا متوجه شد که فشار حداکثری شکست خورده است و مجبور هستند از این راه دست بردارند و راه همانی است که مقام معظم رهبری ترسیم کرده‌اند که در صورت لغو تحریم‌ها، جمهوری اسلامی ایران به تعهدات برجامی بازمی‌گردد.

او با تأکید بر اینکه تنها وزیر خارجه است که از طرف نظام در زمینه سیاست خارجی صحبت می‌کند و نباید اعتبار سخنان دکتر ظریف در برابر کشورهای خارجی مخدوش شود، افزود: وزیر خارجه تنها کسی است که از سیاست‌های ابلاغی و ترسیم‌شده مقام معظم رهبری و همچنین شورای عالی امنیت ملی اطلاعات کامل دارد. موضع اعلامی وزیر خارجه، موضع جمهوری اسلامی ایران است و سخنان داخلی برخی جریانات سیاسی و افراد، موضع رسمی ایران نیست.

برگ سبز و سندکمپانی و سندقطعی و وکالت نامه محضری و قولنامه سواری جک S5 مدل ۱۳۹۵
شماره شاسی: NAKSH7311GB127588
شماره موتور: HFC4GA31DG0046595
شماره پلاک: ۱۰ ایران ۵۳۳ ن ۶۸
مفقودگردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به همکاری دفتر دارالترجمه رسمی

مرکز آموزش بازرگانی در نظر دارد انجام فرایند ترجمه رسمی و اخذ تاییدیه های دادگستری و وزارت خارجه گواهینامه های دوره های خود را در قالب مناقصه برای سال ۱۴۰۰ به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا بدینوسیله از کلیه دارالترجمه رسمی و دارای سوابق کاری در این زمینه دعوت بعمل می آید از تاریخ نشر آگهی به مدت پنج روز کاری تقاضانامه خود را که حاوی سوابق کاری و قیمت پیشنهادی برای هر مورد گواهینامه می باشد در پاکت دربسته و در وقت اداری به نشانی خیابان کارگر شمالی، روبروی پارک لاله، نبش کوچه همدان، شماره ۱۲۰۴، طبقه اول خانم فدایی با تلفن ۸۶۹۵ داخلی ۲۲۳ و یا ۰۹۰۵۷۵۰۹۹۶۰ ارایه و رسید دریافت نماید.

شرایط عمومی و حجم کار: ۱- عضویت فعال دارالترجمه در سامانه سنام ۲- انجام تمام مراحل ترجمه رسمی تا دریافت تاییدیه های دادگستری و وزارت خارجه ۳- کلیه هزینه های پیک و عوامل اجرایی به عهده دارالترجمه می باشد ۴- برآورد سالیانه ۱۰۰۰ مورد گواهینامه ۵- مقیاس سرعت انجام کار: توانایی انجام ۳۰ مورد گواهینامه در ۷ روز کاری